

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مبانی طراحی شهری

ترجمه : راضیه رضازاده و مصطفی عباس زادگان

www.ketab.ir

Hedman, Richard

هدمن، ریچارد

مبانی طراحی شهری / تألیف ریچارد هدمن و اندرو یازوسکی؛ ترجمه راضیه رضا زاده و مصطفی عباس زادگان - [ویراست ۲] - تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۱.
۱۸۰ ص: مصور، نقشه، نمودار. - (دانشگاه علم و صنعت ایران: شماره ۱۵۶)

ISBN: ۹۶۴-۴۵۴-۳۹۹-۶

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Fundamentals of urban design.

عنوان اصلی:

چاپ چهارم: ۱۳۸۴: ۲۲۰۰۰ ریال.

۱. شهرسازی. ۲. معماری - طراحی. الف. یازوسکی، اندرو. ب. رضازاده، راضیه، مترجم. ج. عباس زادگان: مصطفی، مترجم. د. دانشگاه علم و صنعت ایران. مرکز انتشارات. ه. عنوان.

۷۱۱/۴

م ۲/۹۰۳۱/NA

۱۳۸۱

۸۰-۷۰۷۸ م

کتابخانه ملی ایران

- مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران - تهران - نارمک صندوق پستی ۱۶۳-۱۶۷۶۵ تلفن: ۷۷۲۴۰۴۲۵-۷۷۲۴۰۴۲۵ دورنویس: ۷۷۲۴۰۴۲۵
- فروشگاه شماره ۱: میدان انقلاب - خیابان شهید منیری جاوید (اردیبهشت) - پلاک ۱۸۲ تلفن: ۶۶۴۶۶۹۰۰
- پست الکترونیک: Publication@sum.iust.ac.ir



نام کتاب: مبانی طراحی شهری

تألیف: ریچارد هدمن و اندرو یازوسکی

ترجمه: راضیه رضا زاده - مصطفی عباس زادگان

چاپ چهارم: ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۲۰۰۰ ریال

شماره انتشارات: ۱۵۶

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران

* حق چاپ برای دانشگاه علم و صنعت ایران محفوظ است.

ISBN: ۹۶۴-۴۵۴-۳۹۹-۶

شابک: ۹۶۴-۴۵۴-۳۹۹-۶

علم الانسان ما لم يعلم
«آنچه را انسان نمی‌دانست به او آموخت. (قرآن کریم)»

ما متخصص می‌خواهیم و اسلام با تخصص موافق است و اسلام در رأس ادیانی است که از علم و تخصص تمجید کرد و مردم را دعوت کرده است که هر جا یافتید علم را، حتی از هر کافر یافتید آنرا بگیرید، اما بگیرید و در خدمت اسلام و کشور باشد، نه علم را بگیرید و بر ضد کشور خودتان ...

(امام خمینی)

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۵	مقدمه
۱۴	هماهنگی و تضاد
۴۲	حفاظت
۶۶	تعریف فضا
۱۱۰	زیباسازی و اوقات فراغت
۱۳۱	فرم شهری و فرم ساختمان
۱۷۰	بررسی مجدد طرح

www.ketab.ir

حرفه طراحی شهری نیز مانند هر حرفه نوپای دیگر نیازمند مبانی نظری منسجمی است که حدود و دامنه فعالیت‌های آنرا مشخص کرده و نیز نیازمند مبانی کاربردی و اصول و روش‌هایی است که در فعالیت این حرفه آنرا یاری دهد. در این زمینه کتب چندانی به طبع نرسیده و آنچه هم‌اکنون به رشته تحریر درآمده یا مباحث نظری و یا ذهنی طراحی شهری بوده که کمتر جنبه ملموس و عینی داشته و یا مباحثی را عنوان نموده که به علت شرایط متفاوت محیطی برای طراح ایرانی بکار نمی‌آید، یا تنها به بررسی ابعاد تاریخی و ویژگی‌های طراحی شهری دوره‌های مختلف تاریخ پرداخته که بدون تفسیر کافی در شرایط کنونی قابل استفاده نیست. در چنین شرایطی، تحولات کالبدی شهرها در چند دهه اخیر نشان داده که معماران کمتر به محیط کالبدی پیرامون حوزه طراحی خود توجه دارند. حاصل این امر آن است که علیرغم مداخلات طراحانه هر چه وسیعتر معماران، محیط کالبدی هر روز بیش از پیش انسجام خود را از دست می‌دهد. به همین دلیل طی چند سال اخیر لزوم توجه بیشتر به این زمینه حس شده و مطالعاتی در همین راستا انجام گرفته است. از جمله محدود کارهایی که در زمینه اخیر انجام گرفته است، «معماری در زمینه» نوشته «برولین» است که به بررسی نمونه‌های موفق و ناموفق کار معماران در زمینه کالبدی خاص خود پرداخته است. «اصول و مبانی طراحی شهری» نیز به مسئله طراحی در این زمینه توجه داشته و این امر را از ابعاد گوناگون و با دقت و ظرافت خاص مورد بررسی قرار داده است.

این کتاب نتایج سالها تجربه و کار مشترک هدمن و یازوسکی در زمینه طراحی شهری است. هدمن که در سال ۱۹۵۸ از دانشگاه پنسیلوانیا فوق لیسانس برنامه ریزی شهری و معماری اخذ کرد، در پروژه طرح ریزی شهری سانفرانسیسکو تجارب مهمی بدست آورده است. یازوسکی نیز ضمن گذراندن دوره معماری درام‌آی تی به

WWW.MANESH.PUBLISHING.COM

طراحی شهری علاقمند گردید و در پروژه فرم شهری و تحول آن در سانفرانسیسکو شرکت جست، حاصل کار مشترک این دو تدوین این تجارب و تحریر کتاب حاضر است.

این کتاب که برای نخستین بار در سال ۱۹۸۴ توسط انجمن برنامه‌ریزان امریکایی (APA) به چاپ رسیده، نگاهی نه‌چندان مفصل اما عمیق به حدود و ثغور و دامنه و نوع فعالیت‌های طراحی شهری دارد. بدیهی است که نه تنها این کتاب بلکه هیچ کتابی نمی‌تواند همه جوانب نظری طراحی شهری را مورد بررسی قرار دهد. همچنین کتاب به بررسی بعضی از زمینه‌های اصلی کار طراحی شهری پرداخته و ضمن بررسی مسائل و مشکلات موجود اصول و روش‌هایی را برای مداخله متناسب‌تر و معقول‌تر در فضای کالبدی شهر به دست می‌دهد. مباحث مطرح‌شده از اصول اساسی طراحی شهری بوده که در اکثر موارد و در شرایط کالبدی متفاوت، قابل تعمیم و استفاده است.

کتاب در بخش «زمینه و تضاد» اصول مشخصی را که باعث بوجود آمدن همگونی و یا ناهمگونی در نمای شهری می‌شود، بررسی کرده و باید و نبایدهای طراحی در این زمینه را به همراه تصاویر و طرح‌های لازم ارائه می‌دهد. از جمله بخش‌های بسیار مهم و در عین حال قابل تعمیم کتاب، بخش تعریف فضا است. در اینجا اصولی که به تعریف شدن فضا کمک می‌کند همراه با بررسی خاصی از مفهوم فضایی خیابان و فضای باز شهری، مطرح و عوامل مؤثر بر آن تجزیه و تحلیل شده و بالاخره برای رفع نواقص موجود راه‌حلهایی ارائه می‌گردد. با توجه به وضعیت و کیفیت توسعه و ساخت و سازهای جدید در محیط کالبدی پیرامون ما که منجر به شکل‌گیری خیابانهای عریض و فضاهای تعریف نشده و غیر انسانی شده‌اند، اصولی را به دست می‌دهد که به کمک آن می‌توان هم فرم‌های موجود را بهبود بخشید و هم در شکل دادن به

فضای مفید آبی از آن بهره جست. در بخش فرم شهری و فرم ساختمانی مسئله از دیدگاه مکانی وسیعتر مورد بررسی قرار گرفته و تأثیر قوانین و مقررات بر فرم ساختمانی و شهری تجزیه و تحلیل و راه‌حلهائی در این زمینه ارائه گردیده است.

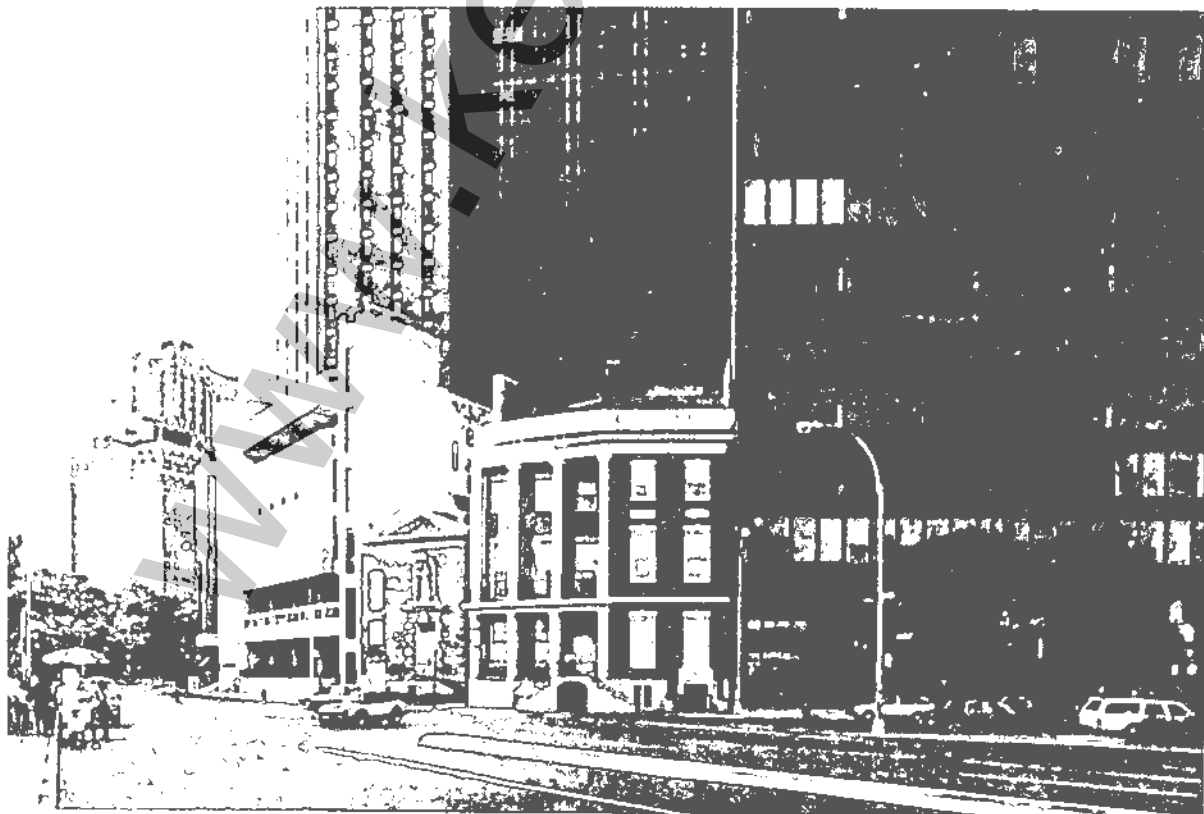
البته بایستی اشاره کرد که برخی مطالب برای خواننده ایرانی به علت تفاوت شرایط و محیط کالبدی-اجتماعی، چندان ملموس نیست. از جمله برخی مسائل حفاظت به دلیل تفاوت ساختمانهای قابل حفاظت امریکا با آنچه که در کشور ما وجود دارد کمتر قابل تطبیق است. چرا که بسیاری از ساختمانهای قابل حفاظت شهرهای ایران درون‌گرا بوده و کمتر با شهر در ارتباط می‌باشد که نحوه حفاظتی متفاوتی را طلب می‌کند. ولی از نظر نباید دور داشت که بسیاری از ابنیه‌ایکه پس از شروع خیابان‌کشی در شهرهای ایران ساخته شده‌اند را می‌توان با توجه به اصول مطروحه در کتاب حفاظت نمود. ولی این نکته را نباید فراموش کرد که اصول مطروحه در کتاب برای حفاظت بناهای ساخته شده در کنار معابر عمده جدید الاحداث آغاز قرن جدید کشور مورد استفاده فراوانی خواهند داشت.

مقدمه

اغلب در مورد معماری و طراحی شهری به گونه‌ای صحبت می‌شود که گویی دارای هیچ گونه ارتباطی نمی‌باشند، در حالیکه این دو از یکدیگر غیر قابل تفکیک هستند. هنگامی که درباره یکی صحبت می‌کنیم، در واقع در مورد دیگری نیز صحبت می‌کنیم. عدم شناخت ارتباط میان معماری و طراحی شهری اگر موجب اغتشاش نشود حداقل سبب گیجی و سردرگمی می‌گردد. با اینهمه هر روز بسیاری تصمیمات معماری با عدم آگاهی یا حداقل توجه به پی آمدهای شهری آنها اخذ می‌گردد. امروزه و در این زمان که معماری به اشکال و سبکهای مختلفی مطرح می‌گردد، این بی توجهی خطرات بسیاری را به دنبال داشته و به همین دلیل شهرهای کوچک و بزرگ ما سیمای مطلوبی نیافته‌اند.

حفظ الگوهای منسجم، همگون و مطلوب توسعه از مشکلات

اغلب با ساختمانهای تاریخی مانند بقایای پسرمانده برخوردار می‌شود. این ساختمانهای کوچک به جای آنکه یادآور گذشته افتخارآمیز باشند به بقایای اسفآوری تبدیل شده‌اند.



تمامی شهرهای کوچک و بزرگ و حومه‌های شهری است. در حالیکه ممکن است ساختمان‌ها هر یک به تنهایی جالب توجه باشند، تاثیر جمعی آنها مایوس‌کننده و نامطلوب است. مجموعه اجزاء هرگز به یک کلیت پیوسته بزرگتر تبدیل نمیگردد. در اینجا فقدان الگوهای قوی انسجام بخش و پیوند دهنده مشهود است. فضاهای باز پیرامون ساختمانها، ضعیف بی‌حرک، و فاقد فرم یا هویتی خاص می‌باشد. ساختمانهای قدیمی تر باقی مانده مانند پس مانده‌های شهری هستند. پاره‌هایی تنها و بی‌ارتباط با گذشته که اکنون به دست فراموشی سپرده شده‌اند. در بدترین شرایط، دنیایی داریم منقطع و پاره پاره و بخشهایی بی‌ارتباط با هم، دنیایی که به ساکنین خود هیچ مرکز قابل شناختی به اینیهایی که در آنها زندگی می‌کنند، عرضه نمی‌دارد.

در راه نیل به انسجام و وحدت طراحی جوامع مختلف با مشکلاتی مواجه هستند. تاثیر تجزیه گرایانه اتومبیل و جریان مداوم مصالح جدید و نوآوری در شیوه‌های بساخت، از دلایل بارزی است که به سرعت به ذهن خطور می‌کنند. این مسایل هر چند حائز اهمیت هستند، فقدان نظم طراحی را توضیح نمی‌دهند. با اینهمه، اتومبیل و تکنولوژی جدید ساختمانی تغییرات اساسی در نحوه طراحی ساختمانها توسط معماران داده و در نتیجه توسعه شهرهای کوچک و بزرگ را بزرگ و مبالغه آمیز جلوه می‌دهند.

در زمانی که چندین دور به نظر می‌رسید که معماری بدون نیاز به بررسی مجدد، ضوابط طراحی شهری را رعایت می‌نمود، و حساسیتی ذاتی وجود داشته که ضامن حفظ نظم و همگونی متناسب و معقولی در محیط مصنوع بوده است. اما روند جریانات امروزه چنان تغییر نموده که معماری خود موجب بی‌نظمی و ناهمگونی محیط شهری می‌گردد و چنین به نظر می‌رسد که در بطن طراحی معاصر یک حرکت تند و شدید ضد شهری نهفته

است. ریشه‌های این گرایش منفی در جریان‌ات آغازین معماری مدرن یافت می‌شود.

در اواسط دهه ۱۹۵۰، تاریخ معماری به صورت فرآیندی تکاملی و آرام معرفی می‌شد، که طی آن سبک جدید با تغییرات اندک و جزئی در سبک قبلی رشد کرده و شکل می‌گرفت. این آونگ همچنان به آرامی از رسمی به رومان‌تیک و سپس مجدداً به رسمی کلاسیک در جریان بود. تاریخ معماری این حرکت را از نخستین بناهای مصر و کرت آغاز کرده و هر دوره معماری با قدرت در عصر پیشین ریشه گرفته بود. سپس ناگهان و بطور غیر طبیعی در آغاز این قرن، کل این جریان تکاملی چنان نشان داده شد که گویی دچار درنگ و وقفه می‌گردد. بدین ترتیب تاریخ از حرکت باز ماند و هنر و معماری مدرن به شکلی ناب و مستقل از تاریخ گذشته ظاهر گردید.

هنر و معماری مدرن بطور ناگهانی و به خودی خود بوجود نیامدند، بلکه حاصل فشارهای شدید درون جامعه بود. فشارهایی که خود در اثر توسعه شتابان صنعتی و اقتصاد در حال تحول بوجود آمده بودند. آتش اشتیاق انقلابی که در سراسر مراکز روشنفکری اروپا در گرفته بود، به آثار هنری نسل جدید، الگوهای هنرمندان و معماران جهت بخشید. در دیدگاه این نسل الگوهای سنتی معماری و شهرسازی نشانگر جامعه‌ای ستمگر بود که می‌باید فرمهای جدید که حاصل تفکرات مدرن منطقی و انسانی بود جایگزین آن گردد. حرکتی کاملاً نوین آغاز گردیده بود، معماران می‌باید معماری نوینی را به منظور رفع مشکلات اجتماعی شهرها خلق کنند.

با درک ایده اصلی، خلق یک معماری کاملاً نوین آسان گردید. نقطه متقابل و متضاد با وضع موجود از همه نظر و در همه ابعاد می‌باید خلق گردد. اگر پنجره‌ها فضاها را خالی عمودی



ساختمانهای پس زمینه عکس نمونه‌ای از معماری از مد افتاده گذشته هستند. در سمت راست نمونه معماری جدید قرار گرفته که بر روی پایه‌های باریکی، از زمین کنده شده و سازه ساختمان را به خوبی نشان داده و چیزی را پوشیده نگه نمی‌دارد. این ساختمان هر چند به راحتی در کنار ساختمان قدیمی‌تر قرار نگرفته، اما برای تعریف و تقویت فضای مقابل خود به آن ساختمان نیازمند است.

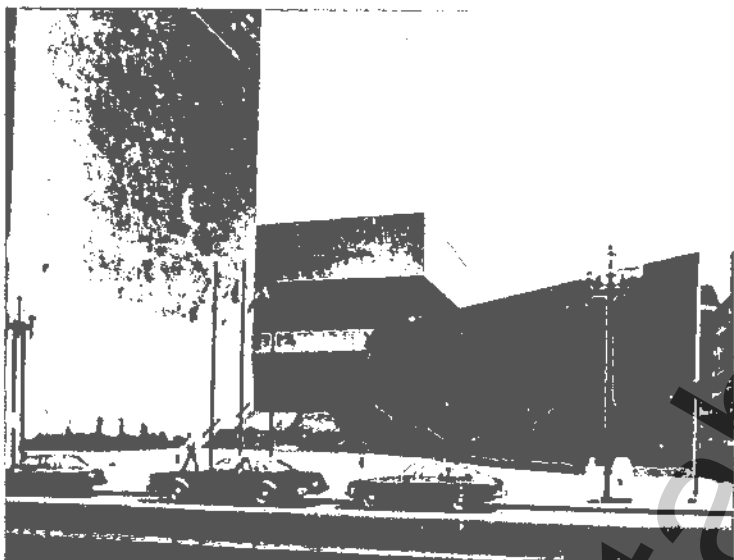
شکلی بودند که در فواصل منظم از هم در طول دیوار قرار می‌گرفتند، پنجره‌های انقلابی باید نوار شیشه‌ای ممتد باشند. ساختمانها که به آرامی بر زمین تکیه کرده بودند، یا بر روی ستونهایی از زمین کنده شده و یا در داخل زمین فرو نشستند. در حالیکه ساختمانهای قبلی فشرده و متراکم بوده و فضای خیابان را به دقت تعریف می‌نمودند، در دنیای جدید برجهای منفردی در زمینه‌ای پارک مانند ساخته شد. در حالیکه ساختمانهای آغاز قرن مملو از تزئینات بودند، از معماری جدید هر گونه تزئینی برچیده شد. فرم این معماری بر اساس نیازهای عملکردی و ساختمانی آن شکل خواهد گرفت. بدین ترتیب سیستم تجزیه و تحلیل دقیقی شکل گرفت که به صورت اسلحه‌ای مخرب در مقابل معماری

سنّتی درآمد. در جریان نفی گذشته، معماران مدرن، وارونه ارزشهای گذشته گردیده روش جدید تحلیل منطقی (علمی) به ابزار ارزشمندی تبدیل شد و باقی ماند. مسائل و مشکلاتی که در سالهای بعد بروز نمود نه در اثر روش تجزیه و تحلیل بلکه در کاربرد محدود آن ریشه داشت.

نحوه طراحی این برج به گونه‌ای است که هرگز به صورت بخش منسجم و پیوسته‌ای از محیط شهری پیرامونی در نخواهد آمد. قسمت پایین ساختمان حالتی حومه‌ای داشته و گویی که ساختمان نمی‌باید در داخل شهر باشد.



یک کمینگاه حومه‌ای در گوشه یک خیابان شهری. این فضا به جای غنی کردن خیابان تنها یک خلاء غیر جاذب ارائه کرده است.

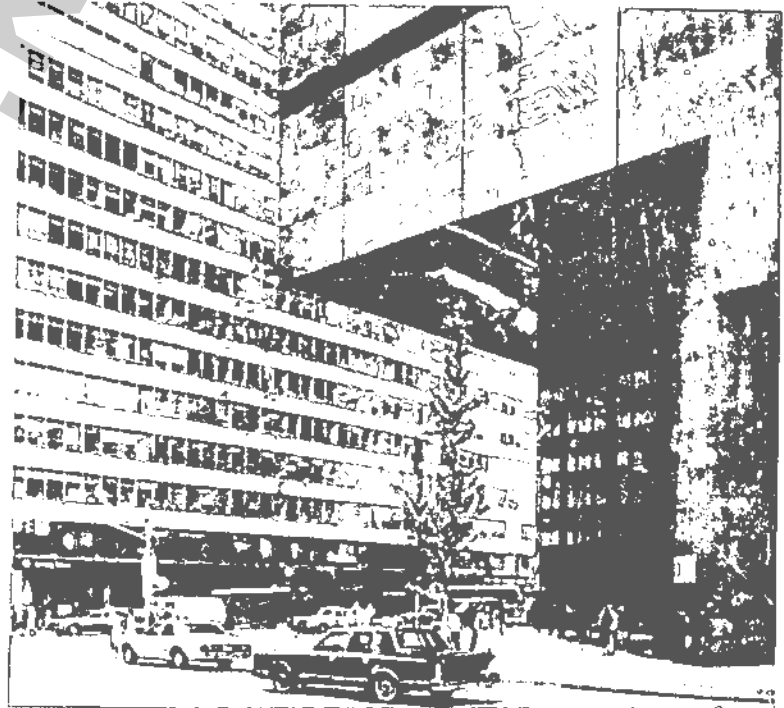


ساختمان اداری مدرن، نمونه‌ای از روش جدید تفکر معمارانه است. در بررسی منطقی، یک ساختمان اداری چیزی بیش از تعدادی طبقات وسیع و یکنواخت که بر روی هم قرار گرفته‌اند نیست. تجزیه و تحلیل نیازهای استفاده‌کنندگان و سهولت تقسیم فضای طبقات، اندازه و شکل طبقات را تعیین می‌کند. فرم ساختمان حاصل انباشت طبقات بر روی هم است. طبقاتی که تعداد آنها بر اساس میزان بودجه تعیین می‌گردد. قسمت بالای ساختمان مسطح است به این دلیل ساده که پشت بام مسطح به بهترین وجهی بیانگر طبقات مسطح زیر می‌باشد. نمای بیرونی از مدل‌های پیش ساخته‌ای با اندازه و شکل مشابه بوجود آمده، چرا که اینها اقتصادی‌ترین و کارآترین مصالح هستند. هیچ اساس و پایه منطقی برای بزرگتر کردن یک پنجره از دیگری وجود ندارد. منطق خشک عملکرد، همه عوامل طراحی را دیکته می‌کند. معمار صرفاً می‌بایستی نقطه چین‌های خالی را پر کند و از شگفت‌انگیزترین شگفتی‌ها را در آستین دارد: برج اداری قوطی مانند. مسئله و مشکل این روش تجزیه و تحلیل توجه و تمرکز انحصاری بر مسائل و علمکرد داخلی

بوده و نقش ساختمان در سیمای شهر و یا در تعریف خیابان را نادیده می‌گیرد.

شکل‌گیری انقلابی معماری مدرن تأثیری پایدار بر حرفه معماری گذاشته است. اهانت و تحقیری که پیشگامان مدرن‌گرا نسبت به سبک‌های سنتی ابراز داشتند، امروزه در بی‌توجهی بسیاری از معماران نسبت به ساختمان‌های پیرامون پروژه‌هایشان متجلی گردیده است. فقدان ارزش و احترام برای ساختمان‌های قدیمی‌تر همراه با تأکید بر تجزیه و تحلیل درون‌گرا، خود موجب طراحی ساختمان‌هایی گردیده که تنها با خود در ارتباط هستند. انقلاب به صورت نوعی مخالفت تلقی گردید، بطوریکه امروزه تمایل و فشاری دائمی برای جدید و متفاوت بودن و همچنین نفی بصری اعتبار ساختمان‌های پیرامونی وجود دارد. حاصل حالتی ضد شهری است که در سبک‌های متفاوت طراحی تجلی یافته که تقریباً برای هر کاری جز ساختن شهرها مناسب است.

همانطور که در این بلوک شهری دیده می‌شود، سرعت تحولات سبکی همراه با روش طراحی خود محورانه، بسیاری از مراکز شهری را به نمایشگاه سبک‌های معماری تبدیل نموده است.



در اوج هیجان انقلاب معماری، هنگامی که سببهای گذشته ستمگر به دور ریخته می‌شد، یکی از عوامل متشکله روح و جان طراحی شهری که حائز اهمیت زیادی بود نیز به دور افکنده شد. در میان حروف درشت و آکادها، تلاش برای تعریف و بزرگ‌نمایی فضای بیرونی موج می‌زد. در معماری سنتی خیابان به عنوان وسیله‌ای برای بیان معماری در نوعی تئاتر شهری تلقی می‌شد. در این نمایش بزرگ ساختمانهای منفرد، هر یک نقشی معین ایفا نموده و خود را ملزم به رعایت نیازهای نقش محوله می‌نمودند. در این میان آنچه که از دست رفت درک این مطلب بود که طراحی شهری، تابعی از معماری است.

درست در آن لحظه تاریخی که برای حفظ انسجام و پیوستگی توسعه شهری به اصول طراحی نیاز بود، اصول موجود نفی گردیده و طرد شدند.

امروزه معماری بیشتر تحت تأثیر مد روز است. همانطور که کراواتها باریک و پهن می‌شوند، قد لباسها کوتاه و بلند می‌شود، علایق معماری نیز اوج می‌گیرند، کاسته می‌شوند، تغییر می‌کنند و متحول می‌شوند. در حالیکه در گذشته تغییرات تنها در جزئیات بود، امروزه در جوانب اصلی فرم و هویت معماری ظاهر می‌گردد. طی بیست سال گذشته سبکهای زیادی به سرعت پا به میدان نهاده و در کوتاه مدت نیز از این صحنه رانده شده‌اند. چنین تحول سریعی در سبکها، نیل به هر گونه حس وحدت و انسجام، نظم و تضاد واقعی را بیش از حد مشکل می‌کند. برای این منظور به عوامل محدود کننده بیرونی نیاز است، عواملی که تنها با استفاده از ملاحظات طراحی شهری می‌توان آنها را فراهم آورد.

یک جرعه امید، تمایل اخیر برخی از معماران برای مرتبط ساختن طرحهایشان با زمینه محیطی می‌باشد. این جریان در مقابل خیل عظیم معماران راسیونالیست چنان کوچک است که

می‌تواند به همان سرعتی که در صفحات روزنامه ظاهر گردید، بیرون رانده شود. اگر زمینه‌گرایی جدید، به جای اصلاح کمبودهای طراحی شهری، در پی مخالفت و خودنمایی در مقابل دیگر روشهای طراحی معاصر باشد مانند سایر حرکت‌های متداول گذرا خواهد بود.

در این روش طراحی ماهیت معماری به کار برده شده، در زمان و مکان خاص، نوع و کیفیت شهر آینده را تعیین می‌کند. برای مثال معماری سبک حومه‌ای نمی‌تواند یک سیمای شهری بوجود آورد. خطوط کم ارتفاع و ممتد معماری حومه‌ای تنها قادر به تعریف انواع و اندازه خاصی از فضاها می‌باشد. اگر کار معماران محلی تفاوت‌های عمده‌ای با یکدیگر داشته باشند، ممکن است خلق هر گونه طرح منسجم و همگون غیر ممکن گردد. بنابراین ویژگیهای معماری تأثیر به‌سزایی بر ویژگیهای بالقوه شهری دارد. عدم پذیرش محدودیتهای معماری و یا تلاش برای تغییر ماهیت آن به معنای طلب فاجعه کردن است. اهداف طراحی شهری که یک جامعه برای خود پذیرفته دارای ضوابط معماری است که می‌باید رعایت گردد. اگر برنامه‌ریزان، طراحان شهری و سایر دست‌اندرکاران امور شهری این مسئله را درک نکنند، قادر به دفاع از جوامع خود در برابر طرح‌هایی به ظاهر خوب و حتی جالب اما در عین حال مخرب نخواهند بود.

دستیابی به طراحی مطلوب شهری مستلزم آن نیست که هر تصمیم‌گیرنده‌ای یک تحلیل‌گر حرفه‌ای مسائل طراحی باشد، بلکه لازم است که افرادی که در تصمیمات مهم طراحی شرکت دارند بدانند که به دنبال چه چیزهایی باید نظر داشته باشند. چه سئوالاتی را می‌باید طرح نموده و یا حداقل ایده‌ای کلی از ضوابط مورد نظر داشته باشند. این کتاب بدین منظور تدوین شده تا جهات اصلی برای خلق محیطی منسجم‌تر و مطلوب‌تر را مشخص دارد.